

شرح حال مرارت های یک کارگر دیشموکی در روز جهانی کارگر؛

مردم مرا بیشتر برای کارهای سخت سر کار می‌برند

دیشموک (پانا) ۱۱- اردیبهشت روز جهانی کار و کارگر نامگذاری شده که این مهم نشان بر اهمیت وجود و فعالیت قشر کارگر در هر جامعه است اما این قشر همواره با مشکلات و دغدغه‌های زیادی روبه رو هستند. همیشه از سختی‌ها و مرارت‌هایی که کارگران تحمل می‌کنند گفته و شنیده شده، اما به واقع چقدر از رنج‌های آنان به درستی درک شده و کمی بی دغدغه زندگی کرده‌اند.

کارگران بازوان متحرک هر جامعه‌‍ هستند که کارهای سخت و میدانی توسط آنها انجام می شود و به دلیل شرایط کاری، همواره در معرض خطرات زیادی هستند. تحقق شعار امسال با نام «& تولید، پشتیبانی‍ها، مانع‍زدایی‍ها»& با تکیه بر فعالیت و کار کارگران انجام می شود و رونق و ترویج کالای ایرانی در سطح کشور و جهان به کار و فعالیت کارگران وابسته است. در هر جامعه‌‍ای که از اندیشه و بازوی کارگران بهتر استفاده شود توسعه و پیشرفت در آن جامعه بیشتر خواهد بود. کارگران بیشتر در کارهای سخت و دشوار مشغول هستند اما از حقوق، مزایا و مشوق های کمی به نسبت کار انجام شده برخوردارند این در حالی است که ثابت شده یکی از اهرم های اصلی به حرکت درآوردن چرخه اقتصادی هر جامعه قشر کارگر است.

روز کارگر بهانه ای بود تا گفت و گویی داشته باشیم با یکی از کارگران زحمتکش شهر دیشموک در استان کهگیلویه و بویراحمد.

این کارگر از خود می گوید، از اوضاع الان و سختی های زندگی کارگری می گوید، از بی پولی و فقر و نداشتن تا آرزوهایی که تبدیل به رویا شده است.«& بارها و بارها به چشمان فرزندانم خیره شدم و گفتم که ندارم، گفتن کلمه ندارم. تبدیل شده به حسرت و خجالت کشیدن فرزندانم. دوست داشتم به مدرسه فرزندانم بروم و جویای اوضاع درسی فرزندانم شوم، اما فرزندانم از خشکی و زخمی های دستان من پیش دوستان و معلم هایشان خجالت می کشیدند.»& او ادامه می دهد: «& پسر بهانه دوچرخه از من می گیرد، می گوید پسر همسایه دوچرخه دارد من هم می‌خواهم؛ اما من حتی نان شب ام را به زور تامین می کنم. همسرم به طلاهای زن های دیگران خیره می شود، ولی پیش من چیزی از خواسته هایش نمی گوید. این ها را من متوجه می شوم اما چه کنم؟ چه بگویم؟ غرورم را چه کنم. تاکید می کند اوضاع روحی روانی خود و فرزندانم را چگونه توصیف کنم تا شرح حال یک کارگر را بفهمید؟»& این کارگر در ادامه شرح رنج هایش بیان می کند: «& مردم مرا بیشتر برای کارهای سخت سر کار می برند که الان شاید ماهی یک بار سر کار بروم که اغلب قرضی هستند.»& او اما خاطرنشان می‍کند: «& با تمام کم و کاستی های دنیای کارگری اما هنوز راضی ام که توان در بدن دارم که بتوانم کار کنم و نان حلال سر سفره فرزندانم بگذارم و سری راحت بر بالش بگذارم.»&

خبرنگار: ریحانه وحیدی خواه